**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه هفتاد و پنجم\_24 فروردین 1398**

در مورد وجه حجیت قول رجالی سه مبنای مشهور هست، یکی این که قول رجالی حجت است از باب خبر واحد در موضوعات، مشکلات این راه حل مطرح شد، راه دوم این است که قول رجالی حجت است، از راه حجیت بینه، تحقق این مشکل تر از راه حل اول است؛ چون در این جا هم باید اخبار عن حسٍ باشد مثل خبر واحد علاوه متعدد هم باشند. این که ما در تک تک روات در تضعیف و توثیق دو شاهد عادل عن حس داشته باشیم، این در نهایت ندرت است. می ماند راه حل سوم و آن این است که سیره عقلا در رجوع جاهل به عالم است و حجیت قول خبره، رجالیونی مثل نجاشی و شیخ و ابن غضائری و امثال این ها خبره فن هستند، در این جا نیز مشکلاتی باید حل شود:

1. آیا اساسا علم رجال که تضعیف و توثیق باشد، این محتاج اعمال نظر است تا خبرویت بخواهد یا یک موضوع حسی است خبرویت نیازی ندارد؟

جواب این فرمایش که اصل این اشکال در کلام سیدنا الخویی هم هست، جوابش این است که توثیق و تضعیفی که الان ما نسبت به اشخاص انجام می دهیم خبرویت نیاز ندارد. ولی نجاشی و شیخ که میخواهند توثیق و تضعیف کنند اولا باید کتاب شناس باشند. ثانیا باید حرف ها را در توثیق و تضعیف بسنجند، گاهی این ها معارض دارند، متعارض ها را بسنجند. چون تا عصر روات فاصله دارند، تضعیف و توثیق ها و لو به بیان شمای آقای خویی عن حس هم باشد، حس معمولی نیست، یک اعمال نظری نیاز دارد. و لذا می گویند هر جا در تضعیف و توثیق بین شیخ و نجاشی اختلاف بود، نجاشی مقدم است لخبرویته فی الفن. این مشکل قابل حل است.

1. مشکل دوم این است که عده ایی می گویند در خبره هم تعداد معتبر است، دو خبره باید بیایند و نظرشان را ارائه دهند.

جواب این است که عقلا خبره را بابی و شهادت را بابی دیگر میدادند و هر کدام شرائط خاص خود را دارند.

1. از این دو مشکل که عبور کنیم باید ببینیم قول خبره در چه حالاتی حجیت دارد و برای چه افرادی؟ برای چه کسی قول خبره حجت است؟ عقلا رجوع جاهل به عالم را قبول می کنند. ما اگر در رجال عامی محض بودیم، هیچی بلد نبودیم، یک بحثی بود؛ اما جایی که خودمان حرف ها را می توانیم بسنجیم، سنگین و سبک بکنیم و مواردی را قطع به خلاف داشته باشیم و مواردی را احتمال خلاف بدهیم، این جا را دیگر سیره عقلا در رجوع جاهل به عالم و دربست پذیرفت حرف او نیست.

مثال می زنم اگر یک دکتر عمومی باشد، بیمار شده است رفته پیش یک متخصص، دکتر عمومی با دلیل و برهان علمی باور کرده است که بعضی از طبابت های متخصص اشتباه است و برخی هم درش احتمال خطا هست آیا این پزشک عمومی در بس حرف آن متخصص را می پذیرد می گوید باید بروم از دیگران هم بپرسم. بله حرف او را کنار نمی گذارد. ولی در بست هم قبول نمی کند . ما هم الان مثل دکتر عمومی چون در مواردی خطای شیخ و نجاشی دیده ام و مواردی هم احتمال می دهم خطا کرده باشم چطور در بست حرف این ها را به عنوان متخصص فن بپذیرم.

بله می رسیم به ان حرف خودمان که به عنوان یک قرینه حرف نجاشی قابل تامل است.

تا حدی که امروز وقت هست ما چند عبارت از نجاشی و ابن غضائری برایتان نقل می کنیم که ببینیم شیوه این ها چه بوده است؟ من برداشتم با مراجعه فروان به این کتاب این است که نجاشی کتب زیادی از 1- تاریخ 2- رجال به معنای اعم 3- فهرست 4- مطالب سینه به سینه که از اساتید خود شنیده در دست داشته است و این نیست که بی منبع سخن بگوید.

بعضی از این منابع فروان است مثل ذکروه ابو العباس بعضی دیگر کمتر.

این که نجاشی کتاب هایی در اختیار داشته است و در مجموع کتابش نه فقط در تضعیف و توثیق، در مجموع کتاب هایش مستند به کتاب هایی حرف زده است جای تردید ندارد.

حال من چند مورد را برایتان بگویم:

رقم 18:

ابراهیم بن هاشم

می گوید : قال ابو عمرو الکشی تلمیذ یونس بن عبد الرحمن من اصحاب الرضا علیه السلام. هذا قول الکشی و فیه نظر.

و اصحابنا یقولون اول من نشر حدیث الکوفیین بقم.

رقم 1047:

ابن جنید

سمعتُ شیخنا الثقاة یقولون عنه انه کان یقول بالقیاس

رقم 513:

سهیل بن زیاد

قال بعض اصحابنا لم یکن سهیل بکل ...

رقم 56:

اسماعیل بن سهل

ضعفه اصحابنا

رقم 7 و 24:

توثیق را مستند کرده است به روایاتی که در شان او هست منتها خود این روایات باید بررسی سندی بشود.

رقم 77:

حسین بن یزید نوفلی

ققال قوم من القومیین انّه غلی فی آخر عمره و اله اعلم و ما راینا له روایةً تدل علی هذا

رقم 86:

حسین بن عبید الله بن سعدی

ممن طعن علیه و رمی بالغلو له کتب صحیحة الحدیث

رقم 138:

حسن بن عباس ضعیف جداً له کتاب انا انزلناه فی لیلة القدر و هو کتاب ردی الحدیث مضطرب الالفاظ.

همین آقا را مقایسه کنید . این آقا را ابن غضائری آورده است:

رقم 34:

حسن بن عباس ضعیف روی عن ابا جعفر الثانی ... کتابا مصنفا فاسدا الالفاظ تشهد مخایله (نشانه ها) علی انها موضوع و هذا الرجل لا یلتفت الیه و لا یکتب حدیثه

چند مورد هم از ابن غضائری بیان کنیم:

رقم 6:

امیة بن علی

فی عداد القومیین ضعیف الروایة فی مذهبه ارتفاعه

نجاشی می گوید ضعفه اصحابنا

رقم 9: ابراهیم بن اسحاق الحمری

فی حدیثه ضعف، و فی مذهبه ارتفاع(غلو) یروی الصحیح و السقیم و امره مختلط.

مقایسه اش کنید با رقم 21 نجاشی:

کان ضعیفا فی حدیثه متهوماً (تهمت غلو)

رقم 10 ابن غضائری:

احمد بن محمد بن خالد:

طعن القومییون علیه و لیس الطعن فیه انما الطعن فی من یروی عنه فانّه کان لا یبالی عن من یاخذ علی طریقة اهل الاخبار

رقم 12:

احمد بن حسین بن سعید:

قال القومیوین کان غالیا و حدیثه فی ما رایته سالم.

رقم 11:

زعم القومیون انه کان غالیا و رایت له کتابا فی الصلاة سدیدا و الله اعلم.

رقم 488

سلیمان بن داوود

نجاشی: کان ثقة

ابن غضائری: ضعیف جدا ...یضع کثیرا علی المهمات

رقم 87:

عبد الله بن عبد الرحمن الاصم

ضعیف مرتفع القول له کتاب فی الزیارات ما یدل علی خبث عظیم و مذهب متهافت

حال نجاشی: ضعیف غالی لیس بشیء له کتاب المزار سمعت ممن راه فقال لی هو تخلیط

معلوم می شود نجاشی کتاب را ندیده است.

رقم 104:

علی بن احمد

کذاب غال صاحب بدعة و مقالة رایت له کتبا کثیرا لا یلفت الیه

رقم 111:

لا یلتفت الی حدیثه و له کتبٌ کلها تخلیط.

رقم 114: قاسم بن ربیع

ضعیف فی حدیثه غال فی مذهبه لا التفات الیه

رقم 115:

قاسم بن الحسن:

حدیثه نعرفه و ننکره. ذکر القومییون ان فی مذهبه ارتفاعا و الاغلب علیه الخیر

رقم 133: محمد بن اورمه

اتهمه القومیون بالغلو و حدیثه نقی لا فساد فیه و ما رایتُ شیاً ینسب الیه تضطرب فی النفس. الا اورقا فی تفسیر الباطن.

مقایسه کنید 891 نجاشی:

محمد بن اورمه ذکره القومیون و غمضوا علیه و رموه بالغلو حتی دس علیه من ... بعد می گوید محمد بن حسین بن ولید گفت هر چه که از روایات محمد بن اورمه در کتب حسین بن سعید است خوب است و ما تفرد به فلا تعتمده و کتب صحاح الا کتابا ینسب الیه ترجمته تفسیر الباطن.

غرض این بود که رجالیون منابع متعدده داشته اند ولی در کنارش اجتهاداتی هم داشتند تازه ان جاه ایی که منبع هم داشته باشند بعضی از این منابع مربوط به تضعیف و توثیق نیست مربوط به تاریخ و فهرست است ان هایی هم که مربوط به تضعیف و توثیق باشد نقل کلام می کنیم به همان کتاب ها که ان ها با اجتهاد بوده یا نه؟ سندشان چیست؟

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.